



National Library
And Archives Of
The I. R. Of Iran

International journal of Iranian- Islamic Studies

E-ISSN: 2717-2961

Document Type: Research Paper

Vol. 12, No. 26, Sprig 2021 pp.11-13

Received: 9/11/2020

Accepted: 17/3/2021

A historical letter confirming the ban on tobacco in the Qajar period by Judge Kowsar from the Sunni scholars to Mirza Hassan Ashtiani

Shahbaz Mohseni*

*Correspondening Author: Assistant Professor of Persian Literature, Islamic Azad University of Mahabad, Iran
shahbazmohseni@yahoo.com

Abstract

What appears in this article is a report as a historical document from one of the leading Sunni scholars, Sweeki (Qazi Kowsar) from Iranian Kurdistan during the Qajar period; which was sent to Mirza Hassan Ashtiani, a Shiite Mojtaahid in Iran. In this letter, which the author thinks is important both in terms of history and content, we can testify to the first attempts by the sympathetic and compassionate scholars of the Islamic Ummah to bring the two main religions of Islam, Sunni and Shiite, closer in the fight against the phenomenon of foreign domination over the Islamic World. The fierce rivalry between Russia and Britain over gaining more privileges and plundering the capital of the deprived people of Iran increased sharply in the late Nasserite period, and the context of these relations shows that whenever one of the two rival countries succeeded in gaining concessions in Iran, the other side tried to score new privileges. The ban on tobacco was an example of a negative struggle against this type of aggression, and there are numerous examples of the correct recognition and interpretation of this type of relationship among historical documents, including the letter read in this article. The results of the research showed that the people of Iran, old and young, men and women, Shiites

and Sunnis, all unquestioningly obeyed the historical fatwa of Mirza Shirazi and set fire to whatever tobacco they had and banned the use of tobacco. They used tobacco as a great weapon against foreign domination of their country. Eventually, Nasser al-Din al-Shah was forced to relinquish the concession. This letter acknowledges the unity and empathy between the Shiite and Sunni religions in the fight against the interests of colonialism and emphasizes the rule of negation of the foreign domination over Muslims desired by these religious scholars. Judge Kowsar rightly preached the unity of the Islamic Ummah and considered any divisive and insulting voice to be the voice of enemies and strangers. Coordinating with Shiite scholars through writing letter to them, was a symbol of unity in the method of combating colonialism among Islamic religions.

Keywords: Tobacco ban, Judge Kowsar, negation of foreign dominance over Muslims, Mirza Hassan Ashtiani, England, Qajar

References

- Adamiyat, F. (1981). *Rebellion on Reggie Score*. Tehran: Payam publications. [In Persian]
- Amin al-Dowlah, MirzaAliKhan (1976). *Political history*, with the efforts of Hafez Farmanfarmaeeian, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Farouqi, O. (1995). *A review on: History and culture of Saez, Kurdistan*, Saez: Mo'alef. [In Persian]
- Fauvriar, J. (1946). *Three years in the court of Iran from 1306 to 1309 AH*. Tehran: Ilmi. [In Persian]
- Isfahani Karbalaie, H. (1998). *Tarikhe Dokhanieh Hamrah-e Sadeye Tahrim Tanbacco*, with the efforts of Mousa Najafi and Rasoul Ja'afarian, Tehran: Islamic Revolution Document Center. [In Persian]
- Keddie, N.R. (1979). *Tobacco Protest in Iran (tobacco ban in Iran)*, Translated by Shahrokh GhaemMaghami, Tehran: Amir kabir Ketabhayeh jibi: Franklin Publication. [In Persian]
- Niloufari, H. (2009). *Long live the constitution, long live the law*. Saez: Goutar. [In Persian]
- Rouhani, M. (1987). *History of Kurdish celebrities*, v.2. Tehran: Soroush publications. [In Persian]
- Sheikh al Islami, Q.M (2016). *A collection of poems and letters by qazi Mohammad Karim Sheikh al-Islami*, with the efforts of Galavizh and Behroz Shaykh Al-Islami. Saez: Farhangsara-ye Honar va Andishe.[In Persian]

- Teymouri, E. (1982). *Tobacco boycott, the first negative resistance in Iran*. Tehran: Ketab-haye Jibi. [In Persian]

نامه قاضی کوثر از علمای اهل سنت به میرزا حسن آشتیانی در تأیید تحریم تنباکو در عهد قاجار

شهباز محسنی*

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد، ایران

(از ص ۵۷ تا ص ۶۴)

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۱۹

چکیده

نامه فردی از عالمان بلندپایه اهل سنت کردستان ایران (قاضی کوثر) به فردی از مراجع شیعه ایران (میرزا حسن آشتیانی) در دوره قاجار، در این مقاله بررسی می‌شود. این سند هم از منظر تاریخی و هم از دید محتوایی مهم است و بر نخستین تلاش‌های عالمان دردشناس و دلسوز امت اسلامی در تقریب تسنن و تشیع به یکدیگر و مبارزه با پدیده تسلط بیگانگان بر جهان اسلام، گواهی می‌دهد. رقابت شدید روس و انگلیس با یکدیگر بر سر دستیابی به امتیازات بیشتر در ایران و چپاول سرمایه‌های مردم این سامان، در اواخر دوره ناصری بسی فزونی گرفت. از فحوای این روابط می‌توان دانست که هر گاه یکی از این دو رقیب در تحصیل امتیازی در ایران موفق می‌شد، طرف مقابل او در لغو آن امتیاز یا دست‌کم در کسب امتیازی تازه می‌کوشید. حکم تحریم تنباکو نمونه‌ای از مبارزات منفی با این فزون‌خواهی‌ها بود که بر شناخت و تفسیر درست این نوع از روابط دلالت می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تحریم تنباکو، قاضی کوثر، نفی سبیل، میرزا حسن آشتیانی، انگلیس، قاجار

هم‌زمان با ماجرای خیزش مردم و قیام تحریم تنباکو که در اعتراض به اعطای امتیاز توتون و تنباکو در سفر سوّم ناصرالدین شاه قاجار به اروپا شکل گرفت، از سوی یکی از علمای بزرگ و مشهور کردستان به نام قاضی کوثر، در تأیید و همراهی با موضع مراجع بزرگ شیعه، فتوایی برای مردم اهل سنت ایران صادر شد، که آنان نیز مصرف دخانیات را باید تحریم و غدغن کنند و باید برادران شیعه خود را در این امر — که امر علماست — همراهی کنند. در این نامه که با ادبیات و نثر عالمانه‌ای نگاشته شده، هدفی که نویسنده نامه دنبال کرده است اتحاد و وحدت بین مسلمانان شیعه و سنی است. مخاطب و گیرنده نامه، میرزا حسن آشتیانی، مرجع برجسته شیعه در عهد قاجار (دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه) در تهران است. در این مقاله ابتدا به طور مختصر فرستنده و گیرنده نامه معرفی می‌شوند. در ادامه، متن و تصویر نامه به عنوان سند آورده می‌شود. نامه قاضی کوثر به مرجع شیعه، نشان‌دهنده زمان‌شناسی و آگاهی و به‌روز بودن وی و درک مسئله اصلی جامعه اسلامی، یعنی وحدت و اتفاق می‌باشد.

حکم تحریم تنباکو علاوه بر آنکه فتوای فقهی بود به صورت قاعده مبارزه علیه استیلای استعمار درآمد. این حکم با شور و هیجان و سرعت از سوی تمام طبقات مردم ایران مورد اطاعت واقع شد (فوریه، ۱۳۲۵: ۲۳۱) و به عنوان عامل اتحاد مردمان به حساب آمد و حتی کسانی که چندان پایبند رعایت احکام شرعی نبودند سرپیچی از آن نکردند (اصفهانی کربلایی، ۱۳۷۷: ۱۱۰؛ امین‌الدوله، ۱۳۵۵: ۱۴۷). این اولین مقطع از مبارزات مردم ایران بدون توجه به خواست شاه و دولتمردان درباری بود که عملاً روحانیون را در صف اول مبارزه قرار داد (تیموری، ۱۳۶۱: ۱۰۸؛ کدی، ۱۳۵۸: ۱۲۷).

شناخت قاضی کوثر

حجره‌ها و مدارس علمیه کردستان از دیرباز مهد پرورش عالمان بزرگ بوده است. یکی از این خیل عظیم در عهد قاجار، قاضی کوثر است. ملا محمد کریم شیخ الاسلامی، مشهور به قاضی بزرگ، متخلص به کوثر، که همه اجداد او در سقز روحانی بوده‌اند، در سال ۱۲۶۵ ه.ق. در سقز کردستان متولد شد.

او تحصیلات دینی خود را نزد علما و علامه‌هایی چون ملا عبدالله پیره باب در اطمیش بوکان و علامه علی قزلبی در دارالعلم تُرجان سقز، به اتمام و اکمال رساند. به واسطه اشراف و تسلطی که بر موازین شرع اسلام و آگاهی از دیگر علوم اسلامی و ادبی یافت، شیخ الاسلام و مفتی سقز و ملجأ و مأوای مردم منطقه شد. وی سرشار از ذوق سرودن شعر و خوشنویسی بود به همین دلیل او در این فن نیز سرآمد عصر خود در منطقه بود. او دارای دیوان اشعاری به زبان فارسی است که در سال‌های اخیر به همت دو تن از نوادگانش منتشر شده است.

علاوه بر این قاضی کوثر بعدها در مسائل مشروطه‌خواهی بسیار فعالیت داشت و با عرق دینی و ملی که داشت به عنوان یکی از مراجع مشروطه‌طلبان در کردستان مورد توجه عامه مردم بود (فاروقی، ۱۳۷۴: ۲۹). بر اساس گزارش وقایع‌نگاران،

در قیام مشروطه‌خواهی و همراهی با رهبران ملی مشروطه، علما و مبارزان زیادی از کردستان حضور داشتند که بررسی این موضوع، خود موضوع تحقیق جداگانه‌ای است (فاروقی، ۱۳۸۸: ۱۵). قاضی کوثر در دوازدهم جمادی الآخر ۱۳۲۸ قمری در سن ۶۵ سالگی درگذشت و در زادگاهش سقز، به خاک سپرده شد (روحانی، ۱۳۶۶: ۱۱۸).

میرزا حسن آشتیانی

میرزا حسن آشتیانی از مراجع مشهور تقلید در ایران و از نا آورترین استادان تهران در علم اصول فقه در زمان خود بوده است. به همین دلیل شاگردان بسیاری در مکتب او تعلیم دیدند. بنابر شواهد میرزا خود از تعلیم دیدگان مکتب نجف بود. و آورده اند معروف‌ترین استادش نیز شیخ مرتضی انصاری بوده است. بنابر اقوال موجود، او که شیفته درس و مکتب استادی چون شیخ انصاری بود، در تهران بنوعی مروج افکار وی نیز شد و در معرفی و آشنا کردن نسل معاصرش با افکار شیخ انصاری بسیار کوشید. میرزا حسن آشتیانی در ۱۳۱۹ ق. در اثر مسمومیت در تهران درگذشت. وی در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه مرجعیت فقهی شیعیان کشور را بر عهده داشت. در قضیه واگذاری امتیاز تنباکو به انگلیسی‌ها، هم‌زمان با سایر شهرها چون شیراز و تبریز و اصفهان، نارضایتی در تهران نیز آشکار شد. میرزا حسن آشتیانی، در تهران بارها با شاه و صدراعظمش، امین السلطان، دیدار و آسیب‌های واگذاری امتیاز را گوشزد کرده بود، ولی درباریان به این بهانه که امضای شاه معتبر و طرف مقابل نیز دولت انگلیس است، به این اعتراض‌ها وقعی ننهادند (تیموری، ۱۳۶۱: ۱۱-۲۲). در این ایام سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز که به دعوت ناصرالدین شاه در تهران به سر می‌برد به مخالفت علنی با اعطای امتیاز به بیگانگان پرداخت و در پی صدور اعلامیه‌ای بر در مساجد و کاروانسراها و سفارتخانه‌ها با این مضمون که «به چه حقی خرید و فروش تنباکویی که خریدار و مصرف‌کننده آن ایرانی است به بیگانه واگذار شده است»، از ایران اخراج شد (تیموری، ۱۳۶۱: ۲۷). تا اینکه اعتراضات در شهرهای بزرگ ایران و حمایت علمای ایران، منجر به صدور حکم فقهی میرزای شیرازی در نجف اشرف شد.

حکم تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی در نجف اشرف بدین مضمون صادر شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم استعمال تنباکو و توتون بآی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه‌السلام است. حرره الأقل محمدحسن الحسینی». در اوایل جمادی‌الاولی ۱۳۰۹ هجری قمری تصویری از حکم فقهی میرزای شیرازی در میان مردم منتشر شد. گفتنی است که نسخه اصلی آن را فقط میرزا حسن آشتیانی مشاهده کرده بود. انتشار حکم میرزای شیرازی در حدود صد هزار نسخه و پخش آن در سراسر کشور، موجی از حرکت مردمی در تحریم تنباکو ایجاد کرد، به طوری که حتی اهل حرمسرای شاه نیز از استعمال دخانیات خودداری کردند و حتی انیس الدوله، سوگلی ناصرالدین شاه، دستور جمع‌آوری قلیان‌ها را داد. از آنجا که بیان ماوقع تحریم تنباکو تکرار مکرر است، ضرورتی ندارد که بدان پرداخته شود، اما نامه‌ای که موضوع اصلی مقاله است با توضیح چند نکته در این مقاله ارائه می‌شود.

متن نامه قاضی کوثر، مفتی و عالم اهل سنت سقز به میرزا حسن آشتیانی، مرجع شیعیان در تهران:

«بر کافه خاص و عام معلوم و مبرهن و در کفر و اسلام آشکارا و مبین است فرقه تشیع از ذکور و اناث و صغار و کبار که با فرقه سنت و جماعت، متحد بالذات و متغایر بالاعتبار واقع گشته‌اند. از توفیق خالق پروردگار این فتنین عظیمین فی ما بین ملت شقیّه کفار، به سان نیرین مبینین روشن و آشکار و از برکت حضرت سید مختار — صلی الله علیه و آله — الغفار — این فرقتین کریمین در نظر طایفه کسیفه فُجار، بر سنن اصحاب و ائمه کبار، به مصداق «والجبال أوتادا» ثابت و برقرار، اتفاق افتاده‌اند یک عینند و دو نهر، یک مُلکند و دو شهر.

چون ائمه دین مبین — رضوان الله تعالی علیهم اجمعین — بنای این دو مذهب را بر یک اصل نهاده و ابواب اصول آن دو آیین را در یک فصل گشاده‌اند از هذیان عوام طرفین رکنی از ارکان آن، یک اصل رخنه نپذیرد و آیین اوراق سبز غُصون آن دو فرع به دوام جهان، زنگار خلل نگیرد. علی‌هذا، تعصّب مذهبی برکنار و غیرت دینی را با زمره کفار که علی‌الظاهر در کمال اقتدارند به مفاد حدیث «ماتشاور قوم الا هدهم الله الی رشد أمورهم» به وجه صلاح و مشورت فریقین، اختیار باید کرد.

چنانکه در این روزها مسموع گردید که جنابعالی — دام فضله — به منطوق آیه کریمه «یا داود انا جعلناک فی الأرض خلیفه فاحکم بین الناس بالحق» و به مصداق حدیث «العلماء ورثه الأنبياء تعصّبا من الدین» در باب عمل دخانیّه که فی الواقع بدعتی است شنیعه و حرفتی است منیعه همّت کامله را مبذول و نیت شامله را معمول فرموده‌اید. شکرالله سعیکم و ادام الله رعیکم. یقین است جنابعالی — دام اجتهاده — که رئیس علمای ایران و سلطان بیشه شیران هستید همواره مصدر این گونه همّت و محلّ این طرز نیت خواهید گشت و البته ان شاء الله تعالی تا کنون به مفاد «همّة الرّجال تقلع الجبال» رفع این بدعت را صورت داده و مهر خاموشی را بر دهان اهل کفر و ضلال نهاده‌اید و زبان اهل عَرَض را بسته و حالت رعایای بیچاره از اضطراب و غرض رسته است. حمدالله ثم حمدالله که همچون تو وجودی را برای تعلیم خاصّ و عام و ملجا کافّه اَنام مرحمت فرموده.

به تازگی استماع شد که از روی اجتهاد در وجود قلیان قبیح به تصریح، حکم به حرمت فرموده و ابواب قدغن را بر جمیع اهالی ایران گشوده‌اید. اگر فی الحقیقه از این قول خبری و از این شهرت اثری هست ما داعیان و بستگان خود را به دستورالعمل کافی اشارتی و به خیریت انجام و حسن عاقبت فرجام این عمل بشارتی فرمایید تا داعی حقیقی نیز برحسب اشارت و بشارت جنابعالی — دام فضله — حال که دسته‌ای از فرنگی‌ها اینجا رسیده‌اند، در کمال اهتمام سعی را مبذول کرده و در خصوص قلیان، درگاه قدغن را بر خاصّ و عام این ملک بگشاییم و اگر کار به جایی رسیده باز لطف را دریغ نفرمایید. به نوید فیصل این امر خطیر و مؤرّه سلامت وجود خودتان و ارجاع هرگونه خدمتان، داعی و بستگان خودتان را سرافراز و شادمان خواهید فرمود تا در سرانجام آنها عمر عزیز را صرف نماییم. والسلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته» (نامه ۳۷ از نامه‌های قاضی کوثر، شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۲۹۳).

درباره این نامه نکاتی شایان ذکر و توجه است. اول آنکه نثر قاضی کوثر در نامه‌هایش، همان نثر رایج دوره قاجار است که در عین دشواری، دلنشین است، که گاه بهره‌گیری از سجع، کلامش را آهنگین و موزون می‌کند. نامه فاقد تاریخ

است اما به احتمال بسیار زیاد مربوط به سال ۱۳۰۹ هجری قمری یعنی همان سال تحریم تنباکو است. از آنجا که در نامه اشاره‌ای به حکم میرزای شیرازی نشده است به احتمال زیاد، قبل از صدور حکم میرزای شیرازی و هم‌زمان با شروع اعتراضات علمای شیراز و تبریز و اصفهان و تهران بوده است. گفتنی است که سقز، در مسیر رفت و آمد تاجران ایران و عراق واقع بود. این تجار از تبریز، مراغه، سقز، و بانه کالا می‌بردند، و در کرکوک و اربیل و سلیمانیه می‌فروختند. بنابر شواهد مختلف این تاجران در بسیاری از مواقع نامه‌بر هم بودند.

اهمیت این نامه جدا از نکات تاریخی آن، رویکرد وحدت‌گرایانه علمای اعلام و پیگیری تقریب بین مذاهب و همزیستی مردم با هم به بهانه همراه کردن اهل سنت با نظر علمای شیعه در قضیه تحریم تنباکو است، و دوری از جهل و تعصبات مذهبی و تأکید بر غیرت دینی در برابر کفار اجنبی به عنوان دشمن امت. ظاهراً بیان مفصل و اطناب‌گونه قاضی کوثر، دالّ بر این است که در نوشتن نامه، هدفی بزرگ‌تر و پردامنه‌تر دنبال می‌شده است و آن ارتباط و پیوند برقرار کردن میان علمای فریقین است.

کلمات و جملاتی که قاضی کوثر برای میرزا حسن آشتیانی نوشته است، مهم و تاریخی است. تعبیر زیبای وی از شیعه و سنی به دو شاخه از یک درخت و دو نهر از یک چشمه نشان از تأکیر بر گفت‌وگو تقریب دارد. شاید بتوان گفت که از این تشبیه و تمثیل، دقیق‌تر و زیباتر و آموزنده‌تر برای ایجاد وفاق میان مذاهب سراغ نمی‌توان گرفت. دانسته نیست که آیا میرزای حسن آشتیانی نیز در پاسخ وی، نامه‌ای نوشته است یا نه؟ پاسخ دقیق به این پرسش را باید به جست‌وجوی بیشتر در آینده، منوط کرد.

گفتنی است نامه برجای‌مانده از قاضی کوثر به خط فرزند ارشدش، ملا احمد شیخ الاسلامی مشهور به حاج قاضی است، که پس از درگذشت پدر، وی نیز در سقز مسند قضاوت و فقه را عهده دار بود و مرجع مردم در امور دین شناخته می‌شد و در انواع خط نستعلیق و نسخ و شکسته استاد بود. همچنین چند سال بعد، همین قاضی کوثر، سقزی‌ها را تهییج کرد تا در مشروطه و جنگ با روس‌های اشغالگر، تبریزی‌ها را همراهی کنند. قاضی کوثر همواره در برابر ناملایمات جامعه احساس مسئولیت می‌کرد و نامه‌هایی نیز برای ناصرالدین شاه در گزارش اوضاع نابسامان اقتصادی مردم می‌فرستاد تا از فشار اقتصادی و انواع خراج از سوی والیان بر مردم منطقه بکاهد.

نتایج تحقیق

مردم ایران بطور کلی، اعم از شیعه و سنی، همه بدون چون و چرا از فتوای تاریخی میرزای شیرازی اطاعت کردند و هرچه توتون و تنباکو در اختیار داشتند، به آتش کشیدند و حکم تحریم استعمال توتون و تنباکو را به عنوان سلاحی بزرگ علیه تسلط اجنبی بر کشور خود بکار گرفتند. این فشار همه جانبه و اتحاد عمومی، سرانجام ناصرالدین شاه را ناچار کرد تا اعطای امتیاز را لغو کند. گرچه در جامعه آن روز از نظر تبلیغاتی این فتوا شکستی بزرگ برای بریتانیا بشمار می‌آمد چنانکه رسماً رودروی بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه قرار گرفت و اینان با تحریمی عظیم و متحد شدن مذاهب اسلام

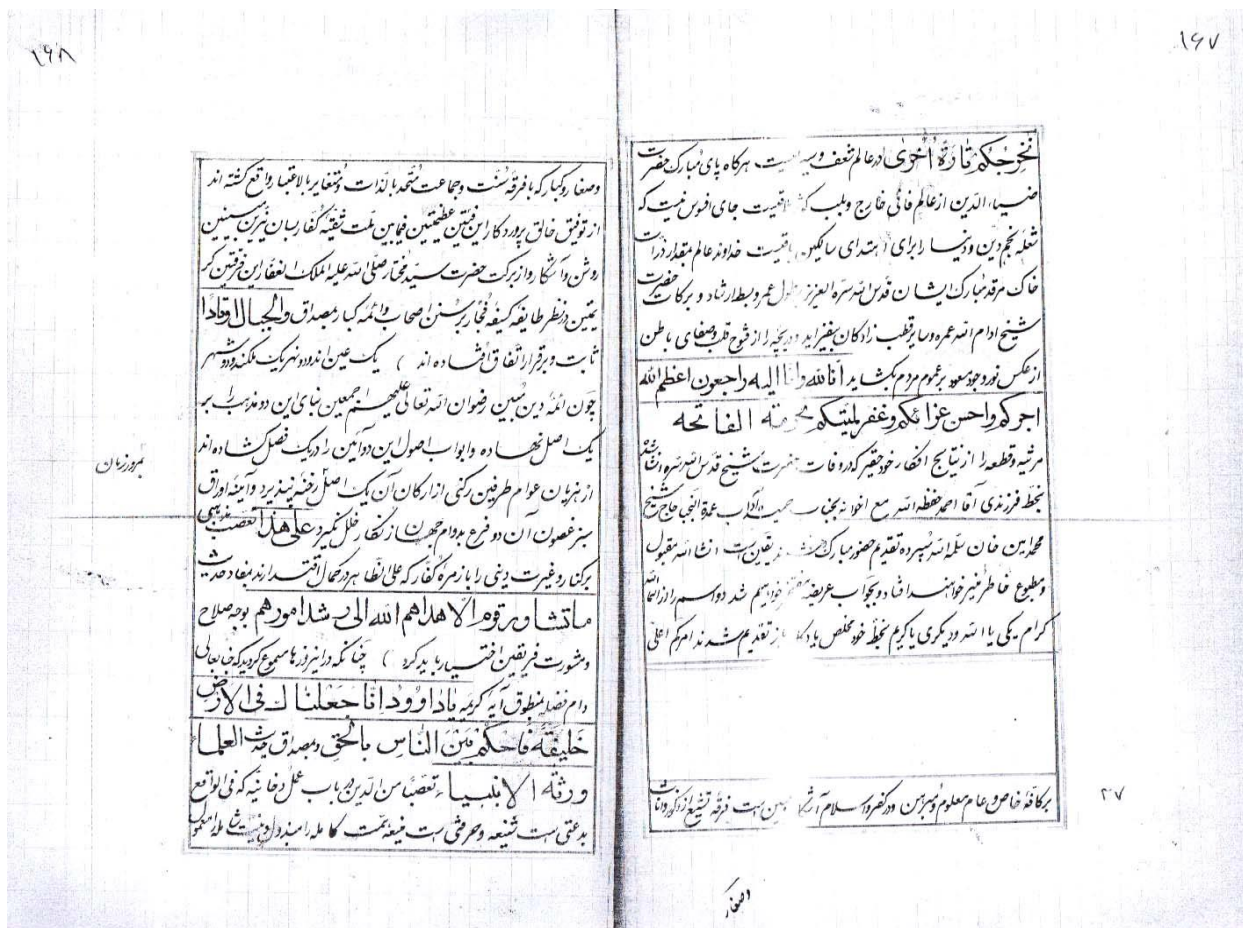
موفق به شکست استکبار و محدود کردن اختیار شاه شدند. به همین دلیل می‌توان پذیرفت نامه قاضی کوثر علاوه تجلی اتحاد و همدلی میان مذاهب شیعه و اهل سنت در مبارزه با منافع استعمار، می‌تواند تأکیدی باشد بر قاعده نفی سبیل مورد نظر این عالمان دین که خود بسیار مهم و در جهت دهی به توده مردم تعیین کننده است. قاضی کوثر به حق منادی وحدت و یکپارچگی میان امت اسلامی بود و هر صدای تفرقه‌انگیز و توهین‌آمیز را صدای دشمنان و نامحرمان می‌دانست. قاضی کوثر نمادی از اتحاد در روش مبارزه با استعمارگران در بین مذاهب اسلامی بود.

مآخذ

- اصفهانی کربلایی، حسن (۱۳۷۷). *تاریخ دخانیه*، همراه سده تحریم تنباکو، به کوشش موسی نجفی و رسول جعفریان. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امین‌الدوله، میرزا علی خان (۱۳۵۵). *خاطرات سیاسی*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان. تهران: امیرکبیر.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۶۱). *تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران*. تهران: کتاب‌های جیبی.
- روحانی، بابامردوخ (شیوا) (۱۳۶۶). *تاریخ مشاهیر کرد*، ج. ۲. تهران: سروش.
- شیخ الاسلامی، قاضی محمد کریم (۱۳۹۵). *قاضی کوثر مجموعه اشعار و نامه‌های قاضی محمدکریم شیخ الاسلامی*، به کوشش گلاویژ و بهروز شیخ الاسلامی، سقز: فرهنگسرای هنر و اندیشه.
- فاروقی، عمر (۱۳۷۴). *نظری به تاریخ و فرهنگ سقز کردستان*. سقز: مؤلف.
- فووریه، ژوانس (۱۳۲۵). *سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ قمری*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: علمی.
- کدی، نیکی، آر (۱۳۵۸). *تحریم تنباکو در ایران*، ترجمه شاهرخ قائم مقامی. تهران: امیرکبیر: کتابهای جیبی: موسسه انتشارات فرانکلین.

پیوست‌ها

نوشته‌های خطی قاضی کوثر به خط پسرش ملا احمد شیخ الاسلامی (حاجی قاضی) که به صورت خطی نزد نوادگان ایشان نگهداری می‌شود.



فرموده اید شکر الله سعيكم واد الله رعيكم يقين بن خباب
 دام اجتماع ده که رئیس علمای ایران و سلطان شیره شیران سینه بزرگ
 مصدر این کوریه بمقت عمل این طرز زینت خواست و البته انشا الله تعالی تاکنون
 بنهادیم الرجال تقلع الجبال رفع این بخت را صورت داده
 و مهر خاموشی بر زبان اهل کفر و ضلال نهاده اید و زبان اهل عرض بسته و
 رعایای بیچاره از اضطراب و غرض بسته است حمد الله تم حمدا لله
 که بچون تو وجود را برای تعلیم خاص عام و طبعی کافه انام مرحمت فرموده
 تا زکی استماع شد که از روی اجتهاد در وجود قلیان قیج تبصریح حکم بخت فرموده
 و ابواب قدغن را بر جمیع اهل ایران گشوده اید اگر فی الحقیقه ازین قبل خبری
 و ازین شهرت اثری هست ما و ایمان و بستان خود را بدستور العمل کافی باشد
 و بخیریت انجام حسن عاقبت فرجام این عمل بشارتی فرماید تا داعی تحقیق نیز
 بر حسب اشراف و بشارت و بشارت خدا بعالی دام فضله حال که دست از فرمها اینجا
 رسیده اند و حال تمام می را منبذول کرده و مخصوص قلیان درگاه قدغن را بخاص و عام این
 ملک بکشایم و اگر کای بجای رسیده بار لطف را درین نفع نفع باری و فیض این منظم و مقرر و مقرر
 و ارجاع بمرکز فداست داعی بخت کایان خودتان را سرافراز و دمان خواستید فرموده
 تا در انجام این امر عزرا صرف نایم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته